بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد مرتد 1](#_Toc427995687)

[شبهات باب ارتداد 1](#_Toc427995688)

[شبهه تعارض 1](#_Toc427995689)

[تشریح تعارض 2](#_Toc427995690)

[شأن نزول آیه 2](#_Toc427995691)

[احتمالات در معنای آیه 2](#_Toc427995692)

[احتمال دوم در آیه 3](#_Toc427995693)

[احتمال سوم 3](#_Toc427995694)

[احتمالات دیگر 4](#_Toc427995695)

# حد مرتد

# شبهات باب ارتداد

تاکنون درباره مرتد به سه نوع اشاره‌شده است؛ مرتد گاهی فطری یا ملی یا زن است که احکام مربوط به هرکدام با دیگری متفاوت است. در این باب شبهاتی وجود دارد که لازم است بدان پرداخته شود؛

# شبهه تعارض

اولین شبهه‌ای که در این زمینه وجود دارد، این است که احادیث وارده در این باب با آیه شریفه **«لا إِکراهَ فِی الدِّینِ»[[1]](#footnote-1)**

تنافی دارد و این آیه شریفه به‌نوعی نافی این روایات است. بنابراین باید روایات را کنار گذاشت.

# تشریح تعارض

تشریح این تعارض بدین‌صورت است که در ادامه آیه فرموده شده؛

**«قَدْ تَبَینَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَی»[[2]](#footnote-2)**

این قسمت از آیه به‌منزله علت است. و معنای اکراه این است که فرد را به‌اکراه نمی‌توان وارد دین اسلام نمود. و در حقیقت قتلی که برای مرتد در نظر گرفته‌شده متعارض یا این فراز از آیه شریفه است. الزام گاهی ابتدایی و گاهی استمراری است، لازمه حکمی که در قبال مرتد ذکرشده این است که باید استمراراً او را ملزم به داخل شدن در اسلام نمود.

چراکه به دنبال این حبس و یا قتل الزام حاصل‌شده است. اگر این تعارض شکل گیرد طبق مفاد روایاتی که داریم روایات را باید کنار گذاشت.

## شأن نزول آیه

در کتب تفسیری شأن نزول‌های متفاوتی برای آیه ذکرشده است و از آن جمله اینکه؛ فرزندان مسلمانی در سفری با نصارا همراه شدند و تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفتند و نصرانی شدند، در روایت است وقتی او اسلام آورد آن‌ها اسلام نیاوردند و نصرانی باقی ماندند. پدرشان ناراحت بودند و می‌خواست به هر ترتیبی که شده آن‌ها را مسلمان کند. تا اینکه این آیه شریفه نازل شد.

ازجمله شأن نزول‌های دیگر وقتی است که در قبال یهود بنی قریظه یا بنی نظیر حکم جلاء از مدینه صادر شد. در این میان برخی عواطفشان تحریک‌شده بود و می‌گفتند آن‌ها را به‌زور نگه می‌داریم که اسلام بیاورند که این آیه شریفه نازل شد.

## احتمالات در معنای آیه

در قبال معنای آیه چندین احتمال وجود دارد؛

در مفردات در قبال ماده کره، ذکرشده است که؛ اولین معنا همین معنایی است که ابتدائاً به ذهن می‌آید و منشأی برای اشکال فوق شده بود که آیه بدین معناست اما با آیات جهاد نسخ شده است. آیاتی همانند؛

**«فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکین»[[3]](#footnote-3)**

**«قاتِلُوا الَّذِینَ لا یؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لا بِالْیوْمِ الْآخِرِ وَ لا یحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا یدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکتابَ حَتَّی یعْطُوا الْجِزْیةَ عَنْ یدٍ وَ هُمْ صاغِرُون»[[4]](#footnote-4)**

**«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذِینَ یلُونَکمْ مِنَ الْکفَّارِ وَ لْیجِدُوا فِیکمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِین»[[5]](#footnote-5)**

البته همان‌طور که سابقاً گفته شد در نظریه آقای خویی نسخ وجود ندارد. البته در قبال نسخ نظریات تفاوتی وجود دارد که برخی دایره آن را توسعه می‌دهند و برخی به مواردی معدودی از آن قائل هستند.

## احتمال دوم در آیه

احتمال دومی که در آیه وجود دارد این است که این آیه مربوط به اهل کتاب است، یعنی در قبال اهل کتاب این الزام و اکراه وجود ندارد.

## احتمال سوم

احتمال دیگری که در این اره داده‌شده، این است که عدم اکراه در اینجا مربوط به اعتقادات باطنی است؛ یعنی در عالم باطن نه اقرار ظاهری به شهادتین. این معنا را علامه ذکر کرده‌اند. چراکه حالات درونی، روحی و قلبی تابع اکراه نیستند. یعنی درواقع آیه شریفه درصدد بیان دین ظاهری نیست.

## احتمالات دیگر

معنای نفی در این آیه نهی است. لذا معنای آیه طبق این احتمال همانند حدیث نفی ضرر است که نباید در اسلام ضرری ایجاد شود. احتمال دیگری که می‌تواند داده شود این است که آیه شریفه درصدد بیان یک حکم کلی نیست بلکه قضیه فی الواقعة است. در برخی احتمالات دین به معنای جزای اخروی گرفته‌شده است.

1. **- 256/بقره.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- همان.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- 94/حجر.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- 29/توبه.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- 123/توبه.** [↑](#footnote-ref-5)